



بررسی رفتار مدیر در برخورد با هزینه‌ها بر اساس رویکرد رتبه‌بندی شرکت‌ها با مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در TOPSIS فازی

وحید بخردی نسب^۱ - فاطمه زولنازاد^۲

چکیده

یکی از اهداف اصلی تهیه‌ی صورت‌های مالی، ارائه‌ی اطلاعات مفید و سودمند برای طیفی گسترده از استفاده‌کنندگان درون و برون‌سازمانی، جهت اخذ تصمیمات عاقلانه‌ی اقتصادی است. به دلیل اهمیت سود شرکت، مدیریت سعی می‌کند مبلغ و نحوه‌ی ارائه‌ی سود شرکت را آن‌گونه که می‌خواهد، بهبود بخشد و این فرآیند زمانی میسر می‌شود که افزایش در سطح فعالیت بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها در ازای همان میزان کاهش در سطح فعالیت است. لذا این پژوهش به بررسی رفتار مدیریت در برخورد با هزینه‌ها پرداخته است. نحوه برخورد بر اساس رتبه‌بندی شرکت‌های نمونه بر اساس حاکمیت شرکتی بوده است. لذا با استفاده از روش TOPSIS شاخصی به منظور رتبه‌بندی شرکت‌های نمونه بر اساس حاکمیت شرکتی، ساخته شده است. شاخص مزبور متشکل از شش معیار اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و حسابرسان مستقل می‌باشد. بر این اساس ۱۳۳ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ از طریق حذف سیستماتیک انتخاب و به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. فرضیه‌های پژوهش پیرامون تمرکز مدیریت بر رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش TOPSIS، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌های دارای رتبه بالای حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی بوده و لذا با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی ایویوز به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. شواهد حاکی از آن است که چنانچه مدیریت، معیارهای حاکمیت شرکتی را همواره به صورت محسوس و نامحسوس ناظر بر رفتار خود قرار داده، کمتر دست به اقدامات اختیاری و فرصت طلبانه دست می‌زنند. تمرکز مدیریت بر رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش TOPSIS، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتی هستند، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی می‌شود. ولی رفتار مدیریت صرفنظر از توجه مدیر به رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش TOPSIS، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتی هستند، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی نمی‌شود.

کلید واژه‌ها: رفتار مدیریت، رتبه‌بندی شرکتی، چسبندگی هزینه، TOPSIS

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، کارمند دانشگاه صنعتی اصفهان (نویسنده مسئول)

vahid.bekhradinasab@gmail.com

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی jolanejad1022@gmail.com

مقدمه

یکی از مفروضات اولیه حسابداری مدیریت بیانگر آنست که تغییرات هزینه‌ها رابطه‌ای متناسب با افزایش و کاهش سطح فعالیت دارد. اما به تازگی این فرض با مطرح شدن بحث چسبندگی هزینه‌ها توسط اندرسون و همکارانش^۱ (۲۰۰۳) مورد بحث قرار گرفته است؛ بدین معنا که میزان افزایش در هزینه‌ها با افزایش در سطح فعالیت بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها درازای همان میزان کاهش در سطح فعالیت است. آگاهی از چگونگی رفتار هزینه‌ها نسبت به تغییرات سطح فعالیت (یا سطح فروش) از اطلاعات مهم برای تصمیم‌گیری مدیران در خصوص برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، قیمت‌گذاری محصولات، تعیین نقطه سر به سر و سایر موارد است. در مدل‌های سنتی رفتار هزینه در حسابداری مدیریت، هزینه‌های متغیر نسبت به تغییرات حجم فعالیت به طور متناسب افزایش یا کاهش می‌یابد. اما نتایج پژوهش‌های برخی پژوهشگران مانند اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) بیانگر آن است که میزان افزایش در هزینه‌ها، هنگام افزایش در سطح فعالیت، بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها، هنگام کاهش در حجم فعالیت است. این رفتار هزینه‌ها، چسبندگی هزینه نامیده می‌شود (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳). یکی از دلایل احتمالی چسبندگی هزینه‌ها، دلایل شخصی مدیران یا مدیریت سود است که از رابطه نمایندگی ناشی می‌شود (کالجا و همکاران^۲ (۲۰۰۶)، بنکر و همکاران^۳ (۲۰۱۱) و جن و همکاران^۴ (۲۰۰۸)).

رابطه نمایندگی عبارت است از نوعی قرارداد که طبق آن یک یا چند نفر (مالک یا مالکین) شخص دیگری (مدیر یا نماینده) را مأمور اجرای عملیاتی می‌کنند و در همین راستا، اختیار اتخاذ برخی تصمیمات را نیز به وی تفویض می‌نمایند. با برقراری رابطه نمایندگی، هر یک از طرفین رابطه به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خویش می‌باشند. از آنجاکه

تابع مطلوبیت مدیران با مالکان یکسان نیست، بین آن‌ها تضاد منافع به وجود می‌آید. این رفتار فرصت‌طلبانه مدیران، مشکلات نمایندگی و هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد که استقرار سیستم‌های راهبری شرکتی، در راستای کنترل و کاهش این مشکلات و هزینه‌ها صورت می‌گیرد (صفرزاده، ۱۳۹۴). به عبارتی جهت پیشگیری از مدیریت سود در شرکت که ناشی از دلایل شخصی مدیران بوده، استقرار حاکمیت شرکتی در سیستم شرکت ملزم می‌شود.

دلیل این امر به خاطر جایگاه و اهمیت سود برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌باشد. مدیریت نیز از گذشته، توجه خاصی به نحوه‌ی تهیه و گزارش رقم مذکور داشته و در مقابل رفتار و عکس‌العمل سرمایه‌گذاران و سایرین در برابر سود گزارش شده، واکنش متقابلی از خود بروز داده است. بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، هدف صورت‌های مالی، ارائه‌ی اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده درباره‌ی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است، که برای طیفی گسترده از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، در اتخاذ تصمیمات اقتصادی، مفید واقع گردد. به عبارت دیگر اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، مستلزم ارزیابی توان واحد تجاری جهت ایجاد وجه نقد، زمان و قطعیت ایجاد آن است، که این ارزیابی از طریق تمرکز بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان‌های نقدی واحد تجاری و استفاده از آن‌ها در پیش‌بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار و سنجش انعطاف‌پذیری مالی، تسهیل می‌گردد. علاوه بر این صورت‌های مالی نتایج وظیفه‌ی مباشرت مدیریت یا حساب‌دهی آن‌ها را در قبال منابعی که در اختیارشان قرار گرفته است، منعکس می‌کند (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱).

در این میان و در سیر تاریخی حسابداری، سود حسابداری، مهم‌ترین نقش را جهت ارائه‌ی اطلاعات

مدیریت سود طراحی و اجرا می‌شوند، انتظار می‌رود هر چه سیستم‌های راهبردی شرکتی قوی‌تر باشند، ارتباط مثبت بین مدیریت سود و میزان چسبندگی هزینه‌ها کم‌رنگ‌تر شود. بر این اساس، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که نظام راهبردی شرکتی توانایی کنترل رفتار مدیریت در برخورد با هزینه‌ها را دارد یا خیر.

مبانی نظری پژوهش

مدل‌های رفتار هزینه

۱- مدل سنتی رفتار هزینه‌ها: هزینه‌ها را می‌توان از جنبه‌های گوناگون و برای مقاصد مختلف به گروه‌های متفاوت، طبقه‌بندی و توصیف کرد. اندازه‌گیری و طبقه‌بندی هزینه‌ها بر اساس رفتارهایی که در شرایط مختلف بروز می‌دهد، در انواع مؤسسات انتفاعی فوق‌العاده حائز اهمیت است و از لحاظ دستیابی به عملیات موفقیت‌آمیز در مؤسسات تولیدی، موضوعی حیاتی است. هزینه‌ها را می‌توان با توجه به گرایش آن‌ها طبقه‌بندی کرد (قائمی و نعمت‌اللهی، ۱۳۸۶). به طور کلی گرایش هزینه‌ها، به چگونگی واکنش هزینه‌ها در برابر تغییر سطح فعالیت اشاره دارد. تفکر ایجاد ارتباط بین هزینه‌ها و سطح فعالیت‌ها در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ در اثر مطالعه برخی از دانشمندان از جمله سولومون و استابوس ارائه گردید. پس‌از آن نظریات فراوانی در این زمینه ارائه شد که به طبقه‌بندی هزینه‌ها با توجه به گرایش آن‌ها پرداختند. این نظریات، مدل سنتی رفتار هزینه را تشکیل می‌دهند. مدل سنتی رفتار هزینه‌ها در ادبیات حسابداری، بین هزینه‌های ثابت و متغیر با توجه به گرایش آن‌ها تفاوت قایل می‌شوند. فرض می‌شود هزینه‌های ثابت مستقل از سطح فعالیت هستند، در حالی که هزینه‌های متغیر به صورت خطی و متناسب با تغییرات در سطح فعالیت تغییر می‌کنند. برای این مدل فرضیات بیان‌شده در بند قبل، در نظر گرفته می‌شود که علاوه بر ساده‌سازی

مرتبط با عملکرد مالی بر عهده داشته است. در نهایت نتایج حاصل از تمامی فعالیت‌های اقتصادی شرکت در سود دوره جاری منعکس نمی‌شود. بلکه سود حاصل از برخی فعالیت‌ها همانند قراردادهای بلندمدت فروش و فعالیت سرمایه‌گذاری و تحقیق و توسعه در سال‌های بعد تحقق خواهد یافت. این اطلاعات از طریق کانال‌های حاکمیت شرکتی، مانند اعضای هیئت مدیره در اختیار برخی از سهامداران، مانند سهامداران نهادی قرار گرفته و از این طریق به اطلاع عده‌ای می‌رسد؛ بنابراین عده‌ای از سهامداران از آگاهی بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند و این امر موجب ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. (خوش طینت و یوسفی، ۱۳۸۷). عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر به دلیل اختیارات رشد، فرصت‌های بیشتری را برای مدیریت سود و انتقال ثروت به مدیریت از طریق معاملات داخلی و پاداش اضافی فراهم می‌کند (لافوند و واتس، ۲۰۰۸).

بنابراین از آنجایی که هزینه‌ها به صورت کاهش در سود اثر می‌گذارند چسبندگی هزینه‌ها باعث می‌شود که سود به کاهش فروش نسبت به افزایش فروش حساسیت بیشتری نشان دهد، این عدم تقارن واکنش هزینه‌ها به تغییرات فروش منجر به چسبندگی هزینه‌ها و در نتیجه عدم تقارن رفتار سود می‌شود (بنکر و همکاران، ۲۰۱۱). طبق استدلال جن و همکاران (۲۰۱۲) از آنجاکه هزینه‌های عمومی، اداری و فروش بخش مهمی از هزینه‌های عملیاتی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند، مدیران فرصت طلب در زمان افزایش فروش، علاقه‌مند به افزایش سریع هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، و در زمان کاهش فروش، علاقه‌مند به کاهش بسیار آهسته این هزینه‌ها هستند. این رفتار، سبب تغییر چسبندگی هزینه‌ها از سطح مطلوب خواهد شد. این پدیده، احتمالاً به ارتباط مثبت بین هزینه‌های نمایندگی و میزان چسبندگی هزینه‌ها منجر خواهد شد و از آنجاکه سیستم‌های راهبردی شرکتی در راستای کاهش

دچار نوسان می نماید (جلنیک^۶، ۲۰۰۷). علل مختلف زمینه‌ساز رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی مدیران است و یا اینکه آن‌ها را این زمینه محدود می‌کند، که برخی از آن‌ها با مدیریت سود در ارتباط می‌باشد.

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی

تمرکز مالکیت

تمرکز مالکیت^۷ اندازه سهامداران بزرگ در یک شرکت است (تامسین و پدرسون^۸، ۲۰۰۰). بر اساس مطالعات صورت گرفته، تمرکز مالکیت، نظارت بر مدیریت را افزایش می‌دهد (پیسنل و همکاران^۹، ۲۰۰۰). لذا می‌توان گفت تمرکز مالکیت، ظرفیت مدیریت برای تغییر سودهای حسابداری را کاهش و به دلیل افزایش قابلیت اتکای سود، محتوای اطلاعاتی سودها را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، بین تمرکز مالکیت و محتوای اطلاعاتی سود رابطه معنی‌دار مستقیم وجود دارد (تامسین و پدرسون، ۲۰۰۰ و پیسنل و همکاران، ۲۰۰۰).

مالکیت نهادی^{۱۰}

یکی از مهم‌ترین بازیگران نظام حاکمیت شرکتی، سهامداران می‌باشد زیرا آن‌ها تأمین‌کنندگان سرمایه شرکت‌ها هستند و حفظ اعتماد آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. سهامداران با انتخاب اعضای هیئت مدیره، به طور غیر مستقیم در تصمیم‌گیری‌های شرکت نقش ایفا می‌کنند و سهامداران نهادی و عمده با توجه به اینکه قادر به انتخاب یک یا چند عضو هیئت مدیره هستند می‌توانند در کاهش هزینه‌های نمایندگی موثر واقع شوند. منظور از مالکیت نهادی درصدی از سهام یک شرکت سهامی است که متعلق به بانک‌ها، بیمه‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌های هلدینگ، سازمان و نهادهای و شرکت‌های دولتی می‌باشد. مالکیت نهادی در شرکت به عنوان یک مکانیزم نظارتی بر رفتار مدیریت درک می‌شود و به هم راستا کردن منافع سهامداران و

جهان واقعی، این مدل را از روشی که هزینه‌ها در واقعیت رفتار می‌کنند دور نگه می‌دارد (قائمی و نعمت‌الهی، ۱۳۸۶).

۲- مدل نوین رفتار هزینه‌ها: در مدل سنتی، تغییرات هزینه تنها به اندازه تغییر در فعالیت بستگی دارد و برای افزایش سطح فروش و کاهش آن یکسان تغییر می‌کنند، به عبارت دیگر جهت تغییر تأثیری روی میزان تغییر هزینه‌ها ندارد. همچنین در مدل سنتی، تصمیمات مدیران در فرآیند تعدیل منابع اداری نقش صریحی نمی‌باشند و هزینه‌ها توسط سطح فعالیت دوره جاری، بدون توجه به سطح فعالیت در گذشته و آینده تعیین می‌شود. در نتیجه بین تغییرات فروش و تغییرات هزینه، رابطه‌ای اتوماتیک در نظر گرفته می‌شود (کالیجا و همکاران، ۲۰۰۶). در سال‌های اخیر بیان‌گر آن است که میزان افزایش در هزینه‌ها هنگام افزایش در سطح فعالیت، بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها هنگام کاهش در سطح فعالیت (معادل افزایش سطح فعالیت) می‌باشد. چنین رفتاری از هزینه را چسبندگی هزینه می‌نامند (کالیجا و همکاران، ۲۰۰۶).

رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و مدیریت سود

از عواملی که مدیران را تشویق به هموارسازی سود می‌نماید، انگیزه‌های بازار سرمایه است. سودهای پرنوسان در طی سال‌های مختلف برای یک شرکت موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران شده و ریسک شرکت را افزایش می‌دهد. بنابراین، مدیران تلاش می‌نمایند جریانی هموار از سود را گزارش نمایند. یکی از عواملی که می‌تواند منجر به ایجاد نوسان در سود شرکت‌ها شود، آثار رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی مدیران است. منظور از رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی مدیران، تصمیمات سرمایه‌گذاری است که مدیران در شرایط نامطمئن و پرخطر اتخاذ نموده و معمولاً دارای بازدهی متفاوت از جریان عادی عملیات شرکت می‌باشد. آثار این گونه تصمیمات معمولاً سود واحد تجاری را

که منافع این نظارت در کوتاه مدت نصیب آن‌ها شود. پورتو^{۱۱} (۱۹۹۲) اظهار می‌دارد که تمرکز بر عملکرد کوتاه مدت موجب ایجاد فشار بر مدیران برای فدا کردن سرمایه‌گذاری و عملکرد بلندمدت به منظور حفظ رشد سود کوتاه مدت می‌شود (پورتو، ۱۹۹۲).

ب: مالکیت نهادی غیر فعال

این سرمایه‌گذاران دیدگاه بلندمدت و عملکرد بلند مدت شرکت را مد نظر دارند. بنابراین، انگیزه زیادی برای داشتن نماینده در هیئت مدیره شرکت‌های سرمایه پذیر دارند. گردش پایین سبد سرمایه‌گذاران بزرگ بیانگر انگیزه این سهامداران برای نگهداری سهام و تشویق مدیران به بهبود عملیات و افزایش ثروت سهامداران می‌باشد. این سهامداران با نظارت فعالانه بر تصمیمات مدیریت، انگیزه‌هایی را برای مسئولیت‌پذیری بیشتر مدیریت فراهم می‌آورند. بر این اساس حضور هر چه بیشتر این سهامداران سبب افزایش عملکرد مدیران و در نتیجه ارتقای عملکرد شرکت‌ها خواهد شد. برکلی لیز و اسمیت^{۱۲} (۱۹۸۸)، اعتقاد دارند که سرمایه‌گذاران نهادی فعال، مدیران شرکت‌ها را منضبط و متعهد می‌کنند. آن‌ها اذعان می‌دارند که عملکرد شرکت‌ها پس از خرید بخشی از سهام آن‌ها توسط سهامداران فعال، بهبود می‌یابد. اگر اوال و نوبر^{۱۳} (۲۰۰۱) نیز بیان می‌دارند که سرمایه‌گذاران نهادی فعال اثر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت‌های سهامی دارند.

کسب حق مالکیت و نظارت به وسیله سهامداران نهادی و عمده بزرگ، دوراهی است که می‌تواند مشکلات نمایندگی را کاهش و ارزش موسسه را افزایش دهد. حق مالکیت عمده به وسیله مدیران، منافع آن‌ها را با منافع سهامداران هم سو می‌کند، به طوری که مدیریت انگیزه لازم برای فعالیت‌های حداکثر کننده ارزش را دارد. وجود سهامداران عمده نیز می‌تواند میزان نظارت را افزایش یا آن را بهبود

مدیران کمک می‌کند و از هر گونه رفتار فرصت‌طلبانه‌ای که ممکن است در بلندمدت به ضرر سهامداران باشد، جلوگیری به عمل می‌آورد. اگر مالکیت نهادی ناظر مؤثری بر فرآیند حسابداری مالی باشد، در این صورت محتوای اطلاعاتی سودهای حسابداری می‌تواند با افزایش میزان مالکیت نهادی به دلیل افزایش در قابلیت اتکای سود، افزایش پیدا کند. به عبارت دیگر، بین مالکیت نهادی و محتوای اطلاعاتی سود رابطه معنی‌دار مستقیم وجود دارد. در یک نظام حاکمیت شرکتی مطلوب مدیران به هیئت مدیره و هیئت مدیره به سهامداران و سایر ذینفعان پاسخگو هستند. مالکیت نهادی، درصد سهام نگهداری شده نزد صندوق‌های بازنشستگی، بانکها، شرکتهای بیمه، سازمان تأمین اجتماعی، شرکتهای سرمایه‌گذاری و بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی می‌باشد. سهامداران نهادی که سرمایه‌گذاران خبره هستند می‌توانند نقش مهمی در نظارت بر مدیران ایفا نمایند. نقش نظارتی سرمایه‌گذاران نهادی مشابه باهم نبوده و انگیزه‌های یکسانی برای نظارت فعالانه بر مدیریت ندارند. از این رو تأثیر آن‌ها نیز بر عملکرد شرکت‌ها متفاوت است. بر این اساس سرمایه‌گذاران نهادی را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد (پیسنل و همکاران، ۲۰۰۰).

الف: مالکیت نهادی فعال

این سرمایه‌گذاری دارای گردش پرتفوی بالایی بوده و استراتژی معاملاتی لحظه‌ای دارند. برای مثال با یک خبر خوب سهام خریداری می‌کنند و با خبر بد سهام را می‌فروشند. برای این مالکان قیمت جاری سهام بسیار مهم بوده و دارای دیدگاه کوتاه مدت و گذرا هستند و عملکرد جاری را به عملکرد بلند مدت شرکت ترجیح می‌دهند. بنابراین، این انگیزه زیادی برای نظارت بر مدیریت و داشتن نماینده‌ای در هیئت مدیره شرکت‌های سرمایه پذیر ندارند زیرا بعید است

مدیرعامل مشکل ساز می‌گردد. یرماک^{۲۲} (۱۹۹۶) و چنر و دالتون^{۲۳} (۱۹۹۱) نشان دادند شرکت‌هایی که رئیس هیئت مدیره غیرموظف دارند، عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های تحت نفوذ مدیرعامل دارند. نفوذ مدیرعامل ضرورتاً عملکرد را ضعیف نمی‌سازد و احتمال دارد که بر درک بازار از میزان کنترل اعمال شده بر عملکرد مدیریت و فرآیند گزارشگری مالی تأثیر بگذارد. اگر نفوذ مدیرعامل نظارت بر مدیریت را کاهش دهد (فینکلستاین و دی آوین^{۲۴}، ۱۹۹۴؛ راما کریشان و توماس^{۲۵}، ۱۹۹۸)، احتمالاً محتوای اطلاعاتی سود را نیز کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، بین نفوذ مدیرعامل و محتوای اطلاعاتی سود رابطه معنی‌دار معکوس وجود دارد (فینکلستاین و دی آوین، ۱۹۹۴؛ راما کریشان و توماس، ۱۹۹۸).

اندازه هیئت مدیره

از منظر نمایندگی می‌توان استدلال کرد که یک هیئت مدیره بزرگ‌تر به احتمال قوی نسبت به مشکلات نمایندگی هوشیار است زیرا تعداد بیشتری از افراد کارهای مدیریت را تحت نظر قرار خواهند داد (گل و تسوئی^{۲۶}، ۲۰۰۱). بیشتر مطالعات انجام گرفته به نقش اندازه هیئت مدیره^{۲۷} در افزایش عملکرد توجه دارند نه نقش آن در بهبود درستی گزارشگری مالی. با در نظر گرفتن این موضوع که نقش اصلی هیئت مدیره نظارت بر مدیریت است، پژوهش‌ها در زمینه اندازه هیئت مدیره فقط از منظر نظارت مورد بررسی قرار می‌گیرد. زای و همکاران^{۲۸} (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که تعداد بیشتر اعضای هیئت مدیره با سطوح پایین مدیریت سود ارتباط دارد. آدامز و مهران^{۲۹} (۲۰۰۲) و یرماک (۱۹۹۶) عنوان می‌کنند که بعضی شرکت‌ها برای نظارت مؤثرتر، هیئت مدیره بزرگ‌تری را می‌طلبند. تعداد و ترکیب اعضای هیئت مدیره باید به گونه‌ای باشد که تحلیل و بررسی وجوه مختلف موضوع شرکت را برای تصمیم‌گیری منطقی امکان‌پذیر

بخشد و بنابراین به عملکرد بهتر موسسه منجر شود (سایفرت و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۵).

بسیاری از پژوهش‌ها این موضوع را که افزایش سهامداران عمده و بزرگ، موجب محدود شدن مسایل و مشکلات نمایندگی می‌شود و انگیزه کافی برای نظارت بر مدیران را دارند، مورد بررسی قرار داده‌اند. یو^{۱۵} (۲۰۰۶)، یون و میلر^{۱۶} (۲۰۰۲)، دلگادو هرتادو^{۱۷} (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با مالکیت نهادی بزرگ‌تر و سهامداران عمده بیشتر دارای اقلام تعهدی اختیاری کمتر و در نتیجه کیفیت سود بالاتر می‌باشند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که نقش نظارتی سهامداران عمده موجب بهبود فرآیند گزارشگری و کاهش تضاد میان مدیران و سهامداران می‌گردد. مک‌کاری و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۰) دریافتند که سرمایه‌گذاران نهادی مایل به درگیر شدن در فعالیت‌های سهامداری هستند. چانگ و ژانگ^{۱۹} (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که حضور سهامداران نهادی موجب افزایش کیفیت ساختار مالکیت می‌شود و آن‌ها علیرغم اینکه سبب افزایش کیفیت حاکمیت می‌شوند، در شرکت بعنوان امین و کاهنده هزینه‌های نمایندگی عمل می‌کنند. یو^{۲۰} (۲۰۰۶) به شواهدی مبنی بر اینکه شرکت‌هایی با مالکیت نهادی بزرگ‌تر کمتر از مدیریت سود استفاده می‌کنند، دست‌یافت (یو، ۲۰۰۶).

نفوذ مدیرعامل

نفوذ مدیرعامل^{۲۰} به وضعیتی اطلاق می‌گردد که رئیس هیئت مدیره عضو موظف باشد. قانونگذاران حاکمیت شرکتی به این موضوع رسیده‌اند که مدیرعامل به عنوان منبعی از قدرت اجرایی بر هیئت مدیره نفوذ دارد (ددمن^{۲۱}، ۲۰۰۰). نقش رئیس هیئت مدیره، نظارت بر مدیرعامل می‌باشد. رئیس هیئت مدیره قدرت کنترل دستور جلسات و هدایت جلسات هیئت مدیره را دارد. اگر منافع مدیرعامل با منافع سهامداران متفاوت باشد در این صورت نفوذ

✓ مدیران خارج سازمان، انگیزه‌ای برای حفظ شهرت و معروفیت‌های شخصی به عنوان مدیران مستقل از طریق مدیریت نظارتی هوشیارانه دارند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳).

مدیریت سود، توانایی و انگیزه مدیریت را برای اداره سود، منعکس می‌کند. زمانی که مدیران برای مدیریت سود فرصت‌طلبانه، انگیزه‌ای ندارند آن‌ها بر اساس منافع سهامداران عمل می‌کنند و بنابراین استقلال اعضای هیئت تأثیری روی ادراک سهامداران از سودهای حسابداری ندارد. این رابطه توسط شواهد تجربی از ادبیات تأثیر استقلال روی مدیریت سود فرصت‌طلبانه را تقویت می‌کند (پیسنل و همکاران، ۲۰۰۰). هیئت‌هایی با استقلال بالا انتظار می‌رود بر روی درک سهامداران نسبت به اعتبار سود تحت شرایط مدیریت سود تأثیر می‌گذارند، زیرا نظارت هیئت مدیره قوی‌تر باید باشد تا انسجام فرآیند گزارش مالی را تقویت کند و باید اطمینان برای سهامداران روی اعتبار سودهای گزارش شده فراهم نماید. به طوری که سهامداران نظارت ایجاد شده توسط بیشترین استقلال اعضای هیئت را درک می‌کنند تا مدیریت سود را کاهش دهند،

لاولر و همکاران^{۳۲} (۲۰۰۲)، استقلال هیئت مدیره عامل مهمی در افزایش نقش نظارتی هیئت مدیره است. در چارچوب تئوری نمایندگی، اعضای بیرونی انگیزه اجتناب از تبانی با مدیران را دارند زیرا ارزش سرمایه انسانی اعضای غیرموظف تا حدودی بوسیله مؤثر بودن نقش نظارتی آن‌ها تعیین می‌شود (فاما، ۱۹۸۰؛ فاما و جنسن، ۱۹۸۳). اگر آن‌ها به طور کافی مدیران را نظارت نکنند، ارزش سرمایه انسانی آن‌ها به عنوان اعضای بیرونی کم خواهد شد. بنابراین، اعضای بیرونی ممکن است از منافع سهامداران به طور مؤثرتری حفاظت کنند. نتایج تسویی و همکاران^{۳۴} (۲۰۰۱) همچنین موید این موضوع است که شرکت‌های با هیئت مدیره‌های مستقل مکانیزم نظارتی

سازد.^{۳۰} اگر هیئت مدیره‌های بزرگ‌تر مدیریت سود را کاهش دهند و ناظران مؤثری بر فرآیند حسابداری مالی باشند (زای و همکاران، ۲۰۰۳)، در این صورت احتمالاً با افزایش اندازه هیئت مدیره، محتوای اطلاعاتی سودهای حسابداری به خاطر افزایش در قابلیت اتکای سود افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر بین اندازه هیئت مدیره و محتوای اطلاعاتی سود رابطه معنی‌دار مستقیم وجود دارد.

استقلال هیئت مدیره

هیئت مدیره یکی از سازوکارهای مهم حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود و نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش پاسخگویی ایفا می‌کند. مدیران مستقل می‌توانند با درک درست نقش نظارتی راهبری خود، سلامت مالی بنگاه را به ارمغان آورده و مانع تضاد منافع بین بازیگران نظام حاکمیت شرکتی شوند. بر همین اساس در بیشتر پژوهش‌ها انجام شده در حوزه حاکمیت شرکتی بر اهمیت نقش مدیران غیر اجرایی در بهبود فرآیند گزارشگری تأکید شده و جایگاه هیئت مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را بر عهده دارد، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. از دیدگاه نظریه نمایندگی می‌توان چنین فرض کرد که مدیران غیرموظف (غیر اجرایی) وظیفه نظارت بر سایر اعضای هیئت مدیره را بر عهده دارند. استقلال هیئت مدیره بر این فرض بنیان‌گذاری شده است که مدیران خارج سازمان بسیار هوشیارتر و حساس‌تر از مدیران داخلی هستند زیرا:

✓ مدیران خارج سازمان بر روی عملکرد مالی تمرکز می‌کنند که جزء اصلی و مرکزی نظارت می‌باشد (فاما و جنسن،^{۳۱} ۱۹۸۳).

✓ مدیران خارج سازمان بیشتر از مدیران داخلی مدیر عامل را به خاطر عملکرد ضعیف منفصل می‌کنند.

می‌رسانند و در مقابل نقش بسیار مهمی نیز در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها دارند. ویژگی جدایی مدیریت از مالکیت به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز شرکت‌های سهامی، به سبب قدرت انحصاری بخشیدن به مدیر در تهیه و ارائه گزارشات حسابداری (به عنوان یکی از مهم‌ترین خروجی‌های عملکرد واحد اقتصادی)، بحث کنترل لزوم توجه به نظارت و تضاد منافع بین ذینفعان مختلف واحد اقتصادی را مطرح نموده است. زیرا طبق همین ویژگی است که مدیران امکان دسترسی بی قید و شرط به بخش مهمی از اطلاعات مالی سازمان را به دست می‌آورند. این ویژگی زمانی که در کنار ویژگی حسابداری تعهدی به خاطر وجود معوقات (مابه‌التفاوت سود نقدی و سود تعهدی) قرار می‌گیرد و انگیزه‌هایی همچون پاداش، مقررات گریزی، افزایش روز افزون رقابت‌ها و... پیش می‌آید، محرکی قوی برای مدیران می‌شود تا در جهت منافع خویش و حتی در تضاد با منافع سایر گروه‌ها اطلاعات موجود را دست‌کاری نمایند. یا به عبارت کامل‌تر دست به مدیریت سود بزنند.

بیشتر محققین این حوزه دریافته‌اند که مدیریت سود غالباً با انگیزه گمراه کردن استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و یا انحراف از نتایج قراردادی که بستگی به سودهای حسابداری دارد، انجام می‌شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۱). به طوری که مدیر با این عمل قصد دارد فرآیند سودآوری شرکت را هموار نشان دهد، تا واحد اقتصادی تحت مدیریت او با جذابیتی خاص به عنوان یکی از گزینه‌های اولیه برای سرمایه‌گذاری مطرح باشد.

از این رو وجود مکانیزمی منسجم برای جلوگیری از این پدیده شوم و همسو کردن منافع طیف‌های مختلف ذینفعان و همچنین سمت و سو بخشیدن به اهداف سازمان توسط تمامی ذینفعان مقوله‌ی "حاکمیت شرکتی" مطرح شده است؛ که می‌توان آنرا مجموعه قوانین، فرآیندها، نفعان، فرهنگ‌ها و روابطی دانست

مؤثرتری فراهم می‌آورند. از هیئت مدیره‌هایی که مستقل هستند، انتظار می‌رود بر درک سهامداران از قابلیت اتکای سود اثر داشته باشند زیرا نظارت قوی‌تر بر هیئت مدیره، درستی فرآیند گزارشگری مالی را افزایش داده و برای سهامداران در مورد قابلیت اتکای سودهای گزارش شده اطمینان ایجاد می‌نماید. به عبارت دیگر، بین استقلال هیئت مدیره و محتوای اطلاعاتی سود رابطه معنی‌دار مستقیم وجود دارد (جاگی و گال^{۳۵}، ۲۰۰۱).

مدت زمان تصدی مدیرعامل و هیئت مدیره

بر اساس مشاهدات هرمالین و ویزبک^{۳۶} (۱۹۹۸)، مدیرعاملی که قبلاً عضو هیئت مدیره شرکت بوده قدرت نسبی بیشتری در مقایسه با مدیرعامل جدید دارد. به عبارت دیگر، مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیئت مدیره ارتباط مثبتی با مدیریت سود دارد. مدت زمان تصدی مدیرعامل ممکن است اثربخش بودن وی در مدیریت شرکت را تعیین کند. در مورد دوره تصدی مدیرعامل، جنسن (۱۹۹۳) و هرمالین و ویزبک (۱۹۹۸) استدلال می‌کنند که مدیرعامل در جایگاهی است که ترکیب هیئت مدیره را کنترل می‌کند و بنابراین توانایی نظارت توسط هیئت مدیره را کاهش می‌دهد. از آنجایی که در صورت افزایش تصدی مدیرعامل، مدیرعامل ممکن است جایگاهش ثابت و قدرت بیشتری پیدا کند، لذا احتمال کمتری دارد که منافع سهامداران را دنبال کند. اگر مدت تصدی مدیرعامل نظارت بر مدیریت را کاهش دهد، در این صورت می‌تواند محتوای اطلاعاتی سود را نیز کاهش دهد.

ارتباط حاکمیت شرکتی، رفتار مدیریت و هزینه‌ها

شرکت‌های بزرگ به عنوان پایه‌های اصلی اقتصاد، حجم عظیمی از منابع اقتصادی (نظیر نیروی انسانی، مواد اولیه، نیروی مدیریتی، سرمایه و...) را به مصرف

تغییر رفتار مدیریت سود و افزایش در مدیریت سود و حاکمیت شرکتی، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های می‌شود و پیش‌بینی می‌شود که با بالا رفتن مدیریت سود در شرکت و افزایش مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، چسبندگی هزینه‌ها کاهش یابد.

پیشینه پژوهش

کردستانی و مرتضوی (۱۳۹۱) به بررسی تصمیمات سنجیده مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها پرداختند. پژوهش انجام‌شده درباره رفتار هزینه بیانگر این است که میزان کاهش هزینه‌ها به هنگام کاهش فروش، کمتر از میزان افزایش هزینه‌ها به هنگام همان میزان افزایش فروش است. در این پژوهش از پیش‌بینی فروش توسط مدیریت به عنوان نشانه انتظارات مدیریت استفاده‌شده و فرضیه تصمیمات سنجیده در مورد بهای تمام‌شده فروش و هزینه‌های فروش، عمومی و اداری ۱۸۶ شرکت در طول سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ به طور تجربی آزمون شده است. نتایج نشان می‌دهد، انتظار افزایش فروش آتی توسط مدیریت، موجب کاهش چسبندگی بهای تمام‌شده فروش می‌شود و هرچه این خوش‌بینی بیشتر باشد، چسبندگی بهای تمام‌شده فروش بیشتر کاهش می‌یابد. اما خوش‌بینی مدیریت، چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری را افزایش می‌دهد و چسبندگی این هزینه‌ها در صورت خوش‌بینی زیاد مدیریت، بیشتر از حالت خوش‌بینی کم است که شواهدی قوی از تأیید فرضیه تصمیمات سنجیده در مورد هزینه‌های فروش، عمومی و اداری محسوب می‌شود.

نمازی و دوانی پور (۱۳۹۱)، تحلیل بنیادی رفتار چسبندگی هزینه‌ها و بهای تمام‌شده با تأکید بر دامنه تغییرات در بورس اوراق بهادار را مورد بررسی قرار دادند. هدف پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل رفتار چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، بهای

که بین سهامداران، مدیران و حساب‌رسان شرکت باید وجود داشته باشد تا متضمن رعایت همه جانبه ی حقوق سهامداران جزء، بازدارنده از سوءاستفاده‌های احتمالی و موجب دستیابی به اهداف پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان گردد. بعلاوه می‌توان گفت شرکت‌هایی که نظام حاکمیت شرکتی بهتری دارند، کمتر با مشکلات تضاد منافع و عواقب ناشی از آن روبرو می‌شوند. از این رو انجام پژوهش در این حوزه و بررسی تأثیر مکانیزم‌های مختلف نظام راهبری شرکتی و مدیریت سود بر چسبندگی هزینه‌ها، می‌تواند در بالا بردن درک سهامداران از این مقوله خطیر موثر واقع گشته و سمت و سوی تازه‌ای به دیدگاه‌های سهامداران (که این دیدگاه‌ها خود بر معیارهای تعیین مدیران و نحوه نظارت بر عملکرد آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود) ببخشد. این مکانیزم‌ها به مرور زمان به وجود می‌آیند. برخی شرکت‌ها دارای مکانیزم‌های قوی حاکمیت شرکتی مثلاً در تعداد اعضای مستقل هیئت مدیره، حضور سرمایه‌گذاران نهادی می‌باشند. برخی شرکت‌ها نیز دارای حاکمیت شرکتی ضعیفی می‌باشند. از طرفی پژوهش‌های اخیر بیانگر این است که هزینه‌ها رفتار نامتقارن دارند؛ یعنی میزان کاهش هزینه‌ها به هنگام کاهش فروش، کمتر از میزان افزایش هزینه‌ها به هنگام همان میزان افزایش فروش است. یکی از عواملی که می‌تواند بر این رفتار نامتقارن هزینه‌ها یا همان چسبندگی هزینه‌ها تأثیرگذار باشد، انگیزه شخصی مدیران است که از مسئله نمایندگی نشأت می‌گیرد. همچنین، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی به مهار انگیزه‌های مدیران منجر شده و در نتیجه، چسبندگی هزینه‌ها کاهش می‌یابد. ژو و هونگ^{۳۷} (۲۰۱۵) معتقدند که افزایش مدیریت سود در شرکت و بالا رفتن احتمال آن و افزایش حاکمیت شرکتی بالا یا حاکمیت شرکتی قوی در سازمان، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی و اداری می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که با

تمام شده و مجموع بهای تمام شده و هزینه های اداری، عمومی و فروش در بورس اوراق بهادار تهران، برای دوره ۱۳۸۲-۱۳۸۸ است. در این راستا، رفتار چسبندهی هزینه ها در ازای سطوح مختلف تغییرات در درآمد فروش بر اساس فن آماری "داده های ترکیبی" تحلیل شد. یافته های پژوهش حاکی از وجود رفتار چسبنده هزینه های اداری، عمومی و فروش، بهای تمام شده و مجموع بهای تمام شده و هزینه های اداری، عمومی و فروش است. همچنین، هزینه های اداری، عمومی و فروش تنها برای تغییرات بیش از ۳۰٪ در درآمد فروش، بهای تمام شده برای تغییرات کم تر از ۱۰٪ و بیشتر از ۳۰٪ در درآمد فروش، از خود رفتار چسبنده نشان می دهند.

زنجیروار و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی چسبندگی هزینه های اداری، عمومی و فروش و همچنین بهای تمام شده کالای فروش رفته پرداخته و تاثیر ویژگی های مختلف شرکتها مانند تعداد کارکنان، دارایی های جاری، دارایی های ثابت و بدهی های شرکت بر شدت چسبندگی هزینه آن ها مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش بر اساس اطلاعات ۷۰ شرکت تولیدی فعال در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ۱۰ ساله از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ که بر اساس روش نمونه گیری حذف سیستماتیک انتخاب شده اند، نشان می دهد که هزینه های اداری، عمومی و فروش و همچنین بهای تمام شده کالای فروش رفته چسبنده هستند و شدت چسبندگی در بهای تمام شده کالای فروش رفته بسیار بالاست و شاخص هایی مانند تعداد کارکنان، میزان دارایی جاری شرکت و نسبت بدهی بر شدت چسبندگی هزینه اداری عمومی و فروش و بهای تمام شده کالای فروش رفته تاثیر می گذارد. این در حالی است که شدت چسبندگی بهای تمام شده در دارایی های جاری کمتر از دارایی های ثابت است و شناخت این خصوصیات و تاثیر آن بر رفتار هزینه

می تواند کمک بسزایی به مدیران برای تجزیه و تحلیل های بهتر و بودجه بندی جامع تر باشد. راعی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تاثیر نسبت های مالی بر چسبندگی هزینه پرداختند. آن ها به منظور سنجش چسبندگی هزینه ها از هزینه های عملیاتی استفاده کردند. نسبت های مالی بکار رفته در این پژوهش شامل گردش موجودی کالا، گردش دارایی های ثابت و گردش مجموع دارایی ها است. در این پژوهش، تعداد ۸۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی و جهت آزمون فرضیه ها از داده های تلفیقی در نرم افزار اقتصادسنجی ایویوز استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که هزینه های عملیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران البته در سطح بسیار ضعیف چسبنده هستند. همچنین نتایج حاکی از آن است که نسبت گردش دارایی های ثابت، چسبندگی هزینه های عملیاتی را افزایش می دهد. این در حالی است که دو نسبت دیگر یعنی گردش موجودی کالا و گردش مجموع دارایی ها تأثیری بر چسبندگی هزینه ها ندارند.

عاشوری (۱۳۹۳) تأثیر انگیزه های مدیریت سود بر چسبندگی هزینه ها در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. به این منظور دو فرضیه ارائه شده است که به آزمون و بررسی تحلیلی ارتباط بین انگیزه های مدیریت سود و میزان چسبندگی هزینه ها می پردازد. جامعه آماری شامل کلیه ی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ی ۵ ساله از ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ می باشد. از بین کل جامعه، با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۷۸۳ شرکت انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته است. جهت بررسی فرضیه ها از تحلیل رگرسیون به روش داده های پنلی استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که در سالهای مورد بررسی بین انگیزه های مدیریت سود و چسبندگی هزینه ها رابطه معنی داری وجود دارد. به

ژاپنی رفتار هزینه‌های خود را در دوران پس از حباب تعدیل کرده‌اند.

بنکر و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی انگیزه‌های صاحبان سهام و ایجاد ارزش در بلندمدت مخارج پرداختند. بررسی‌ها در زمینه ایجاد ارزش در بلندمدت به وسیله مخارج اداری، عمومی و فروش نشان‌دهنده این است که در شرکت‌هایی که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کمی دارند، در آینده ایجاد ارزش می‌کنند و چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش می‌تواند به عنوان یکی از فاکتورهای مفید نمایندگی در موضوعات اقتصادی باشد. آن‌ها همچنین دریافتند در زمانی که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش منجر به ارزش‌آفرینی بالقوه کمتری می‌شوند، چسبندگی هزینه‌ها، درجه کمتری دارند تا زمانی که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ارزش‌آفرینی بالقوه بیشتری ایجاد می‌کنند. در هر حال، مسئله نمایندگی در جایی که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ارزش‌آفرینی کمتری ایجاد می‌کند، مفیدتر است تا جایی که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ارزش‌آفرینی بیشتری ایجاد می‌کنند.

جن و همکاران (۲۰۱۲) با بررسی داده‌های اداری و مالی ۱۵۰۰ سال-شرکت موجود در شاخص استاندارد و پورز در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۵ به این نتیجه رسیدند که افزایش هزینه‌های اداری، عمومی و فروش از قبیل هزینه‌های سربار تحقیق‌یافته در بخش اداره شرکت‌ها در زمانی که فروش (تقاضا) بالا می‌رود، دارای شیب بیشتری است نسبت به کاهش این هزینه‌ها در زمانی که فروش (تقاضا) کاهش می‌یابد. همچنین آن‌ها رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در سطوح بهینه را مورد بررسی قرار دادند که نتیجه آن نشان دهنده عدم تقارن بیشتر هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در صورت تحمیل فاکتورهای اقتصادی است که این هم بر رابطه مثبت تئوری نمایندگی و درجه عدم تقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش دلالت دارد؛ بدین ترتیب که هر چه ساختار تجربی این محرک

عبارت دیگر، انگیزه‌های مدیریت سود باعث کاهش چسبندگی هزینه در شرکتها می‌شود. از این رو، فعالیت‌هایی که در جهت شناخت عوامل تعیین‌کننده ساختار هزینه‌های شرکت‌ها انجام می‌شود، باید با توجه به انگیزه‌های مدیران در اتخاذ تصمیمات مرتبط با هزینه‌ها و منابع این شرکتها، خصوصاً انگیزه‌های ناشی از نمایندگی، باشد.

عزیزی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود بر هزینه چسبندگی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. هدف اصلی این پژوهش آنست که چسبندگی هزینه‌ها و حاکمیت شرکتی را در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار دهد. به عبارت دقیق‌تر، هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش‌ها است: آیا مدیریت سود خود بالا به طور قابل توجهی چسبندگی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد؟ اینکه آیا حاکمیت شرکتی خود به طور قابل ملاحظه‌ای چسبندگی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد؟ نتایج این پژوهش که براساس اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای یک دوره پنج ساله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ است نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی و مدیریت سو منجر به کاهش هزینه‌های چسبندگی شده است.

حی و همکاران^{۳۸} (۲۰۱۰) به بررسی چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری و همچنین، عوامل تعیین‌کننده چسبندگی هزینه‌های شرکت‌های ژاپنی پرداختند. افزون بر آن، آن‌ها در پژوهش خود این موضوع را که آیا مدیران ژاپنی به تغییر رفتار هزینه‌های خود بعد از سقوط بازار سهام در سال ۱۹۹۰ پرداختند، را دنبال کردند. نتایج پژوهش آن‌ها رفتار چسبنده هزینه‌های فروش، عمومی و اداری را تأیید کرد. آن‌ها همچنین، به این نتیجه دست یافتند که کاهش قابل توجه در شدت چسبندگی هزینه‌ها در ژاپن پس از انفجار حباب دارایی، نشان‌دهنده‌ی این است که مدیران

قوی‌تر باشد، عدم تقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش بیشتر و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش بیشتری در سطوح مطلوب شرکت به وجود می‌آید. همچنین آن‌ها به این نتیجه رسیدند زمانی که سیستم اداره شرکت آشفته است، رابطه مثبتی بین مسئله نمایندگی و عدم تقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش وجود دارد و به نظر می‌رسد تاثیر حاکمیت شرکتی قوی بر مسئله نمایندگی موجب تعدیل و کاهش عدم تقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شود.

ژو و هونگ (۲۰۱۵) به بررسی رابطه مدیریت سود، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه‌ها پرداخته‌اند. نمونه پژوهش شامل شرکت‌های چینی بوده و بازه زمانی پژوهش از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ بوده و نتایج پژوهش حاکی از آن است که مدیریت سود و حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه‌ها تاثیر گذار است.

این پژوهش به دنبال بررسی رابطه رفتار مدیریت در برخورد با هزینه‌هاست، تا از این طریق بتواند به سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری کمک کند. از آنجا که هزینه‌های عمومی، اداری و فروش بخش مهمی از هزینه‌های عملیاتی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند، مدیران فرصت طلب در زمان افزایش فروش، علاقه‌مند به افزایش سریع هزینه‌های عمومی، اداری و فروش و در زمان کاهش فروش، علاقه‌مند به کاهش بسیار آهسته این هزینه‌ها هستند. این رفتار مدیریت به کاهش یا افزایش هزینه، تاثیر شگفت‌انگیزی در سود شرکت دارد، چراکه سرمایه‌گذاران همواره به دنبال کسب حداکثر سود هستند و مدیران از این حربه استفاده و اقدام به حداکثر سازی سود در صورت‌های مالی می‌کنند. بنابراین، آگاهی از چگونگی رفتار هزینه‌ها نسبت به تغییرات سطح فعالیت و یا سطح فروش از اطلاعات مهم برای تصمیم‌گیری مدیران در مدیریت سود است. ولی این رفتار، سبب تغییر چسبندگی هزینه‌ها از سطح مطلوب خواهد شد. این پدیده،

احتمالا به ارتباط مثبت بین دست‌کاری سود، هموارسازی سود، مدیریت سود و دست‌کاری حساب‌ها با میزان چسبندگی هزینه‌ها منجر خواهد شد و به عبارتی رفتار مدیریت در برخورد با هزینه‌ها موثر خواهد بود. از آنجا که سیستم‌های راهبردی شرکتی در راستای نظارت بر شرکت، تحت عنوان نظام راهبردی شرکتی در شرکت تا به کارگیری شده، انتظار می‌رود، در کاهش مدیریت سود متمرکز باشد و انتظار می‌رود هر چه سیستم‌های راهبردی شرکتی قویتر باشند، ارتباط مثبت بین مدیریت سود و میزان چسبندگی هزینه‌ها کمرنگ‌تر شود. با عنایت به مبانی نظری ذکر شده در بخش شرح و بیان مسئله پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر در خصوص شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت‌بندی شده است:

فرضیه اول: رفتار مدیریت صرفنظر از توجه مدیر به رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش TOPSIS، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتی هستند، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی نمی‌شود.

فرضیه دوم: رفتار مدیریت در شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی قوی هستند، در برخورد با هزینه‌ها، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی می‌شود.

فرضیه سوم: تمرکز مدیریت بر رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش TOPSIS، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتی هستند، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی می‌شود.

روش پژوهش

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا پایان سال ۱۳۹۴ به مدت هشت سال بوده است. تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده‌ی فعال در بورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۳۹۴ معادل ۱۰۶۴ شرکت می‌باشد که به عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر در نظر گرفته می‌شوند. اما به دلیل عدم دسترسی به داده‌های همه‌ی شرکت‌های یادشده و امکان انتخاب نمونه‌ی آماری، تعداد شرکت‌های مزبور با اعمال شرایط و محدودیت‌هایی تعدیل می‌شوند. در این پژوهش، محدودیت‌ها و شرایط زیر توسط پژوهشگر اعمال شده است تا به نمونه‌ی مطلوب پژوهش دست پیدا شود:

- به منظور قابلیت مقایسه داشتن داده‌ها و متغیرها، شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ یا ۳۰ اسفندماه نیست حذف شده‌اند.
- بانک‌ها و موسسات مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مالی به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت آن‌ها از سایر واحدهای تجاری حذف شده‌اند.
- شرکت‌هایی که در طول دوره موردبررسی همه‌ی داده‌های لازم برای محاسبه‌ی متغیرها را نداشته‌اند حذف شدند.
- شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۸۷، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده و در طی دوره‌ی زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند. دلیل این امر آن است که تعداد نمونه‌ی آماری در سال‌های موردبررسی، برابر باشد.

با بررسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و اعمال شرایط و محدودیت‌های فوق تعداد ۱۳۳ شرکت (معادل ۱۰۶۴ سال-شرکت) جهت برآورد مدل و آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شده‌اند.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای تعبیه‌شده در مدل به شرح زیر می‌باشد:
متغیر وابسته: متغیر وابسته پژوهش چسبندگی رفتار هزینه‌ها می‌باشد. این متغیر به پیروی از پژوهش شانه ژو و یان هونگ (۲۰۱۵) با استفاده از لگاریتم هزینه‌های عمومی و اداری و تشکیلاتی اندازه‌گیری شده است. معادله این رابطه (۱) به شرح زیر می‌باشد:

$$\log \left[\frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right]$$

که در رابطه (۱) SGA عبارت است از جمع هزینه‌های عمومی و اداری و تشکیلاتی.

متغیر مستقل: متغیر مستقل پژوهش رفتار مدیریت می‌باشد. این متغیر به پیروی از پژوهش شانگ ژو و یان هونگ (۲۰۱۵) با استفاده از لگاریتم جمع درآمدها اندازه‌گیری شده است. معادله این رابطه (۳) به شرح زیر می‌باشد:

$$\log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right]$$

که در رابطه (۳) REV عبارت است از جمع درآمدها.
متغیر تعدیلگر: متغیر تعدیلگر پژوهش شاخص حاکمیت شرکتی می‌باشد. متغیر حاکمیت شرکتی به پیروی از پژوهش شانگ ژو و یان هونگ (۲۰۱۵) با استفاده از روش تاپسیس به شرح رابطه (۲) اندازه‌گیری شده است:

$$CGSC = \sum_{i=1}^{i=8} FACT_i * EIGN_i$$

که در مدل فوق:

CGSC: معیار رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت

شرکتی با استفاده از روش TOPSIS

EIGN: مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی که شاخص مزبور متشکل از شش معیار اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و حسابرس مستقل می‌باشد. تعریف عملیاتی شاخص‌های بکار گرفته‌شده در رویکرد تاپسیس به شرح زیر می‌باشد:

سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و غیره هستند.

تمرکز مالکیت: تمرکز مالکیت بوسیله شاخص هرفیندال هیرشمن به دست می‌آید.

حسابرس مستقل: اگر امتیاز کنترل کیفیت حسابرس الف باشد، به آن عدد یک و اگر غیر از الف باشد، به آن عدد صفر اختصاص می‌یابد. امتیاز کنترل کیفیت توسط جامعه حسابداران رسمی ایران منتشر می‌شود.

FACT: با استفاده از روش تاپسیس شاخصی به منظور رتبه‌بندی شرکت‌های نمونه بر اساس حاکمیت شرکتی، ساخته شده است. مدل تاپسیس توسط هواسنگ یون در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد شد. این مدل یکی از بهترین مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است و از آن استفاده زیادی می‌شود. در این روش m گزینه بوسیله n شاخص، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اساس این تکنیک بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با راه حل ایده آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد. فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص به‌طور یکنواخت افزایشی با کاهش می‌شود. شاخص مزبور متشکل از شش معیار اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره،

اندازه هیئت مدیره: منظور از اندازه هیئت مدیره، تعداد اعضای هیئت مدیره است.

استقلال هیئت مدیره: استقلال هیئت مدیره به صورت تعداد اعضای غیر موظف (مستقل) در ترکیب هیئت مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیئت مدیره تعریف عملیاتی می‌شود.

دوگانگی وظایف مدیر عامل: اگر مدیر عامل رئیس هیئت مدیره نیز باشد، به این وضعیت دوگانگی وظیفه مدیر عامل اطلاق می‌گردد. در این پژوهش دوگانگی به صورت یک متغیر مجازی تعریف شده است که در آن برای شرکت‌هایی که مدیر عامل رئیس هیئت مدیره است مقدار این معیار صفر و برای شرکت‌هایی که مدیر عامل رئیس هیئت مدیره نیست، عدد این معیار از حاکمیت شرکتی یک در نظر گرفته شده است.

مالکیت نهادی: اگر سهامداران نهادی و یا دیگر سهامداران، مالک بیش از ۲۰ درصد سهام با حق روی یک شرکت باشند، نفوذ آن‌ها در شرکت نفوذی مؤثر تلقی خواهد شد و چنین فرض می‌شود که این سهامداران از توانایی لازم جهت تأثیرگذاری بر تصمیم‌ها و سیاست‌های شرکت سرمایه‌پذیر برخوردار هستند که این نوع مالکیت به‌عنوان مالکیت نهادی نامیده می‌شود هرچه سطح مالکیت نهادی بیشتر باشد، نظارت بر مدیریت بهتر انجام می‌شود و این یک ارتباط مستقیم است (فروغی و همکاران، ۱۳۸۸).

جدول ۱: شاخص‌های حاکمیت شرکت استفاده‌شده و فراوانی استفاده از آن‌ها

بر اساس نمونه ۹۳ تایی از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران

شاخص	درصد	شاخص	درصد	شاخص	درصد
استقلال هیئت مدیره	۵۸	مالکیت نهادی	۷۶	نوع حسابرس	۹
دوگانگی وظایف مدیر عامل	۲۹	ساختار مالکیت	۲۹	کیفیت حسابرسی	۵
اندازه هیئت مدیره	۱۴	تمرکز مالکیت	۲۷	اندازه حسابرس مستقل	۱
نفوذ مدیر عامل	۳	نسبت بدهی	۵	مدت زمان تصدی حسابرس	۳
مدت زمان تصدی مدیر عامل	۴	اصلی و فرعی بودن شرکت	۳	تعداد جلسات هیئت مدیره	۱
پاداش هیئت مدیره	۲	درصد سهام شناور آزاد	۴	وجود حسابرس داخلی	۵

برابر یک و برای شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی ضعیف برابر صفر است. به طور کلی امکان دارد که سرمایه‌گذاران حاکمیت شرکتی را به صورت یک طیف در نظر نگیرند. آن‌ها معمولاً شرکت‌ها را به صورتی در نظر می‌گیرند که یا حاکمیت شرکتی قوی هستند یا حاکمیت شرکتی ضعیفی دارند. لذا شرکت‌ها به دو دسته دارای حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف تفکیک شده‌اند. برای این منظور شرکت‌ها بر اساس شاخص حاکمیت شرکتی به چهار چارک تقسیم می‌شوند. شرکت‌هایی که در چارک اول قرار می‌گیرند به عنوان شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی ضعیف و شرکت‌هایی که در چارک چهارم قرار می‌گیرند به عنوان شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی در نظر گرفته شده است. به این ترتیب فقط شرکت‌های موجود در چارک‌های اول و چهارم مورد مطالعه قرار گرفته شده است.

FACT: رتبه حاکمیت شرکتی

CAPR: شدت سرمایه

TOBQ: نرخ رشد

مبنای تایید یا رد فرضیه‌ها: با توجه به رابطه (۴) در صورتی که ضریب متغیر β_1 معنادار نباشد، فرضیه یک پذیرفته می‌شود. همچنین چنانچه ضریب متغیر β_2 منفی و معنادار باشد، فرضیه دوم پذیرفته می‌شود. همچنین چنانچه ضریب متغیر β_3 منفی و معنادار باشد، فرضیه سوم پذیرفته می‌شود.

دوگانگی وظایف مدیر عامل، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و حسابرسان مستقل می‌باشد. این معیارها، معیارهایی هستند که در یک نمونه ۹۳ تایی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه حاکمیت شرکتی با فراوان نسبی بیش از ۵٪ مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به هر یک از این معیارها ضریب یکسان و برابر با ۰/۱۶۷ تعلق گرفته است. معیارهای مورد استفاده در نمونه ۹۳ تایی به همراه در صد فراوانی آن‌ها در نگاره (۱) ارائه شده است.

متغیر کنترلی: همچنین به استثنای حاکمیت شرکتی، متغیرهای اثرگذار بر رفتار مدیریت در برخورد با هزینه‌ها به پیروی از پژوهش شانگ ژو و یان هونگ (۲۰۱۵) به شرح زیر می‌باشد:

شدت سرمایه: این متغیر به پیروی از پژوهش شانگ ژو و یان هونگ (۲۰۱۵) به وسیله ارزش خالص دارایی‌های ثابت و درآمدهای عملیاتی اندازه‌گیری می‌شود.

نرخ رشد: این متغیر به پیروی از پژوهش شانگ ژو و یان هونگ (۲۰۱۵) بوسیله Tobin Q اندازه‌گیری می‌شود.

مدل پژوهشی

مدل پژوهش به پیروی از پژوهش شانگ ژو و یان هونگ (۲۰۱۵) به شرح رابطه (۴) زیر می‌باشد:

$$\log \left[\frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_2 DUM * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \sum_{j=3}^{10} \beta_j DUM * FACT_{i,t} \\ + \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_{11} DUM * CAPR_{i,t} + \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_{12} DUM * TOBQ_{i,t} \\ + \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق:

SGA: هزینه‌های عمومی و اداری و تشکیلاتی

REV: جمع درآمدها

DUM: متغیر مجازی، مربوط به شرکت i در دوره t که

برای شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی

یافته‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه خواهد شد.

آمار توصیفی

پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، پارامترهای توصیفی هر متغیر به

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای مدل پژوهش

متغیر	SGA	REV	CAPR	TOBQ
میانگین	Mean	۵/۷۲۰۱	۰/۱۳۳۸	۱/۱۱۳۲
میانه	Median	۵/۶۷۰۹	۰/۱۳۳۸	۰/۹۵۶۰
بیشینه	Maximum	۸/۲۲۳۹	۲/۷۷۲۷	۹/۹۵۲۲
کمینه	Minimum	۳/۸۶۵۱	-۲/۷۲۰۴	-۰/۳۸۴۳
انحراف معیار	Std. Dev.	۰/۶۰۷۲۳	۰/۳۰۶۹۴	۰/۷۴۲۵۵

منبع: یافته‌های پژوهش

است که برابر با میانه این متغیر است. این امر نشان می‌دهد که شاخص حاکمیت شرکتی در نیمی از شرکت‌های نمونه پایین‌تر از میانگین و در نیمی از شرکت‌های نمونه بالاتر از میانگین است.

آمار استنباطی

برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان‌شده نیاز است قبل از پردازش آن‌ها و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود. یکی از فروض کلاسیک آماری همسانی واریانس باقی‌مانده‌ها است که از فرضیه‌های اساسی هر رابطه محسوب می‌شود، همچنین لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد تا مشخص گردد که داده‌ها به صورت تابلویی است یا تلفیقی و در صورتی که نوع داده‌ها تابلویی تشخیص داده شد، باید نوع اثرات آن مشخص گردد.

برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون وایت استفاده شده که نتایج آن در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج مندرج در نگاره (۳) نشان می‌دهد که آماره احتمال محاسبه شده در آزمون وایت برای مدل پژوهش از سطح خطای ۰/۰۵ بیشتر است که نشان از همسانی واریانس بوده و روش تخمین این مدل به صورت رگرسیون حداقل مربعات معمولی می‌باشد. در ارتباط با نوع تخمین داده‌ها، نتایج آزمون F لیمر برای مدل پژوهش بیشتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد که بر مبنای این نتایج فرض صفر آزمون

صورت مجزا محاسبه شده است. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه، کمینه و بیشینه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی همچون انحراف معیار، چولگی و کشیدگی است. نگاره (۲) آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی را برای ۱۳۳ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ برای دوره ۸ ساله نشان می‌دهد.

از بین شاخص‌های مرکزی بیان‌شده میانگین مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال میانگین متغیر هزینه‌های عمومی و اداری و تشکیلاتی برابر با ۴/۵۱۶۲ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. همان‌طور که در جدول (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. همچنین بیشینه و کمینه متغیرها در جامعه آماری مورد بررسی بیشترین مقدار این پارامتر به ترتیب مربوط به متغیر نرخ رشد (۰/۹۵۶۰) و کمترین مقدار این پارامتر مربوط به شدت سرمایه (۲/۷۲۰۴-) می‌باشد. همچنین مطابق با نگاره (۲) میانگین شاخص حاکمیت شرکتی ۰/۱۳۳۸

جدول ۳: نتایج آزمون مفروضات رگرسیون

نوع آزمون	آزمون ناهمسانی واریانس	آزمون F لیتر		آزمون دوربین واتسون
احتمال آمار	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون
مدل آزمون فرضیه	۰/۳۲۳۸	۲۰/۵۸	۱/۰۳۰	۲/۰۶

منبع: یافته‌های تحقیق

واتسون نیز برای مدل پژوهش برابر با ۲/۰۶ و حاکی از آن است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برای دو مدل برابر با ۰/۹۱ است که نشان می‌دهد ۹۱ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول پژوهش به بررسی رفتار مدیریت، صرفنظر از توجه مدیر به رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش TOPSIS، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتیست، می‌پردازد. شواهد تشات داد که رفتار مدیریت صرفنظر از توجه مدیر به رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش TOPSIS، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتی

مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها تایید شده و داده‌ها به صورت پولینگ تخمین زده می‌شود. بنابراین این مدل‌های پژوهش بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تلفیقی ثابت تخمین زده می‌شود. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۲/۰۶ می‌باشد، مشخص شد که مدل فوق دارای خودهمبستگی نمی‌باشد. در ادامه با در نظر گرفتن نتایج پیش آزمون‌های آماری به تخمین مدل‌های اصلی پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در نگاره (۴) نشان داده شده است.

بر اساس نتایج آزمون F لیمر، مدل پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تلفیقی تخمین زده شد. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای مدل پژوهش، با احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ برابر است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این دو مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. براساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دوربین

جدول ۴: نتایج مربوط به تخمین مدل پژوهش

متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	p-Value
$\log = \frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}$	۲.۹۲۷۲۶۹	۱.۶۴۰۲۱۴	۱.۷۸۴۶۸۸	۰.۰۷۵۲
$DUM * \log = \frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}$	۱.۷۷۳۶۱۱-	۱.۶۳۳۹۷۷	۱.۰۸۵۴۵۶-	۰.۰۰۰۰۵
$DUM * FACT * \log = \frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}$	۰.۰۲۳۷۳۱-	۰.۰۹۱۰۱۱	۰.۲۶۰۷۵۱-	۰.۰۰۴۴
$DUM * CAPR * \log = \frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}$	۰.۰۵۶۳۰۰-	۰.۰۱۵۳۷۱	۳.۶۶۲۶۴۵-	۰.۰۰۰۰۳
$DUM * TOBQ * \log = \frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}$	۰.۰۰۶۷۹۲-	۰.۰۰۶۹۵۵	۰.۹۷۶۵۱۷-	۰.۳۲۹۵
C	۰.۱۰۱۱۶۳-	۰.۱۲۱۷۸۲	۰.۸۳۰۶۹۲-	۰.۴۰۶۸
آماره F: ۵۹/۷۱	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰	ضریب تعیین	۰/۹۱
آزمون دوربین واتسون	تعداد مشاهدات	۳۳۱		۲/۰۶

منبع: یافته‌های پژوهش

دارای حاکمیت شرکتی قوی هستند، در برخورد با هزینه‌ها، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی می‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم با پژوهش ژو و هونگ (۲۰۱۵) و عزیزی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد. فرضیه سوم پژوهش به بررسی رفتار مدیریت، در برخورد با هزینه‌ها بر اساس رتبه‌بندی شرکت‌ها بوسیله معیارهای شش گانه حاکمیت شرکتی با استفاده از روش Topsis، در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتی هستند، می‌پردازد.

در آزمون فرضیه سوم سطح معناداری برای متغیر رفتار مدیریت در برخورد با هزینه‌ها بر اساس رتبه‌بندی Topsis در شرکت‌هایی با حاکمیت قوی برابر است با (۰/۰۰۴۴)، که با احتمال ۹۵ درصد کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین ضریب متغیر رفتار مدیریت در برخورد با هزینه‌ها بر اساس رتبه‌بندی Topsis در شرکت‌هایی با حاکمیت قوی (۰/۰۲۳۷۳۱-)، حاکی از ارتباط معکوس و منفی تمرکز مدیریت بر چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی می‌باشد. از این رو فرض سوم پژوهش تایید شده و تمرکز مدیریت بر رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش Topsis، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتی هستند، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی می‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم با پژوهش ژو و هونگ (۲۰۱۵) همخوانی دارد. یافته‌های تحقیق در شناسایی اینکه کدام مولفه‌ی حاکمیت شرکتی بر اساس رویکرد Topsis، احتمالاً بر چسبندگی هزینه‌ها و ارتباط بین رفتار مدیریت اثر می‌گذارد، کمک می‌کند. در تدوین قوانین جدید حاکمیت شرکتی و بازنگری قوانین قدیمی لازم است به نتایج مطالعات تجربی نیز توجه شود. پشتیبانی تجربی مبنی بر اهمیت نقش حاکمیت شرکتی داخلی، فزونی منافع

هستند، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی نمی‌شود. سطح معناداری برای متغیر رفتار مدیریت، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برابر است با (۰/۰۷۵۲)، که با احتمال ۹۵ درصد بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد. از این رو فرض اول پژوهش تایید شده و رفتار مدیریت صرفنظر از توجه مدیر به رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی با استفاده از روش Topsis، در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی که دارای رتبه بالایی از حاکمیت شرکتی هستند، منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی نمی‌شود. لذا، فرضیه اول مورد تایید قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول با پژوهش ژو و هونگ (۲۰۱۵) و عاشوری (۱۳۹۳) و عزیزی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

در فرض دوم رفتار مدیریت در شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی قوی هستند، بررسی شده است. سطح معناداری برای متغیر رفتار مدیریت، در شرکت‌هایی با حاکمیت قوی در بورس اوراق بهادار تهران برابر است با (۰/۰۰۰۵)، که با احتمال ۹۵ درصد کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین ضریب متغیر رفتار مدیریت در شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی قوی هستند (۱،۷۷۳۶۱۱-)، حاکی از ارتباط معکوس و منفی بین رفتار مدیریت در شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی قوی هستند و چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش واکنش مدیریت در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی با سطوح بالای حاکمیت شرکتی، چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی کاهش می‌یابد و با کاهش واکنش مدیریت در برخورد با هزینه‌ها در شرکت‌هایی با سطوح بالای حاکمیت شرکتی، چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی کاهش می‌یابد. از این رو فرض دوم پژوهش تایید شده و رفتار مدیریت در شرکت‌هایی که

- انجام پژوهش با همین موضوع، اما برای افزایش قابلیت اعتماد نتایج پژوهش، تعداد مشاهدات هر مقطع (تعداد شرکت‌ها) و دوره‌های زمانی افزایش یابد.
- از معیارهای دیگری برای اندازه‌گیری متغیرها استفاده گردد. به عنوان مثال برای اندازه‌گیری متغیرهای حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه و مدیریت سود از روش‌های متفاوت با این پژوهش استفاده کنند و نتایج حاصل از به کارگیری این شاخص‌ها با هم مقایسه شود.
- بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه و مدیریت سود، برای دوره‌های کوتاه مدت کم‌تر از یک سال (صورت‌های مالی میان دوره‌ای).
- بررسی ارتباط ریسک‌پذیری شرکت با ارزش آتی شرکت و سطوح بالای پیش‌بینی سود توسط مدیریت و چسبندگی هزینه‌ها

منابع

- Adams, R., & Mehran, H. (2002). Board structure and banking firm performance, Working paper, Federal Reserve Bank of New York.
- Agrawal, A., & Knoeber, C. (2001). Firm performance and mechanisms to control agency problems between managers and shareholders. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 31(3), 377-397.
- Anderson, M. C., Banker, R., & Janakiraman, S. (2003). Are Selling, General and Administrative Costs "Sticky"? *Journal of Accounting Research*, 41(1), 47- 63.
- Ashoori, E. (2014). The impact of earnings management incentives on costs stickiness. *Ha.payan a master* (in persian).
- Azizi, A, Abdul Karim Nasser Moghaddam and Abdoli, (2015), to examine the relationship between corporate governance and earnings management on cost stickiness in listed companies in Tehran Stock Exchange, Third International Conference on Accounting and Management, Tehran, October Hmayshgran Institute illumination, http://www.civillca.com/Paper-MOCONF03-MOCONF03_420.html (in persian).
- Banker, R., Byzalov, D., & Plehn-Dujowich, J. M. (2011). Sticky cost behavior: Theory and

حاصل از تحمیل قوانین حاکمیت شرکتی بر شرکت‌ها بر هزینه‌ها و مخارج آن را تأیید خواهد نمود و برای قانونگذاران توجیه کافی برای تحمیل الزامات حاکمیت شرکتی را فراهم خواهد نمود. طبق نتایج پژوهش حاضر حاکمیت شرکتی بر رابطه‌ی بین رفتار مدیریت و چسبندگی هزینه‌ها تأثیر دارند. شناخت پیامدهای مدیریت نه فقط برای ذینفعان که برای تدوین‌کنندگان مقررات حسابداری نیز مهم است. این گروه باید مقررات و استانداردهایی برای کنترل هرچه بهتر رفتار مدیریت شرکت‌ها در انتخاب روش‌های متعدد حسابداری تدوین کند تا در حد امکان آزادی عمل مدیر در انتخاب چند روش محدود شود. اما باید به این موضوع نیز توجه داشت که رفتار مدیریت یکی از نتایج بالقوه‌ی وضع مقررات حسابداری است. زیرا، وجود استانداردهای صریح و محکم موجب محدود کردن رفتار مدیریت از طریق درآمدها شده و لذا تمایل مدیران به استفاده از مدیریت سود افزایش می‌یابد. طبیعی است نتایج حاصل شده در این پژوهش براساس اطلاعات موجود و محدودیت‌های زمانی و مکانی به- دست آمده است و به نظر می‌رسد برای تکامل آن لازم است پژوهش‌های زیر نیز انجام گیرد:

- بررسی تأثیر سایر مولفه‌های حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های هیئت مدیره مانند تمرکز مالکیت، اندازه هیئت مدیره و ... بر ارتباط بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه.
- مطالعه تأثیر نوع صنعت بر روابط بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه.
- تکرار این تحقیق با در نظر گرفتن یک رویداد خاص مثل عرضه اولیه سهام یا سایر مسائل سیاسی، اقتصادی موثر بر عملکرد فرصت طلبانه مدیران به منظور مدیریت سود و تعیین اثر آن بر رابطه مولفه‌های حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه.

- Gul, F., Lynn, S and Tsui, J.(2002). Audit Quality, Management Ownership, and the Informativeness of Accounting Earnings. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 17(1):25-51.
- He, D., Teruya, J. & Shimizu, T. (2010). Sticky selling, general, and administrative cost behavior and its changes in Japan. *Journal of Business Research*, 4(4): 1-10.
- Hermalin, B and Weisbach, M.(1998). The Determinants of Board Composition., *Rand Journal of Economics*, 19:589-606.
- Jelinek, K (2007); "The Effect of Leverage Increases on Earnings Management", *Journal of Business and Economic Studies*, vol13, pp 24-46.
- Khoshtinat, M, Yousefi, F. (2009), the relationship between symmetry and asymmetry with conservatism intelligence, *financial accounting Experimental Studies Quarterly*, No. 20(in persian).
- Kordestani, Gh. Mortazavi, M. "The effect of the decisions of managers determined on costs stickiness". *Review of accounting and auditing*. (2013). No. 67, pp. 73-90(in persian).
- LaFond, R., & Watts, R., (2008), The information role of conservatism, *The Accounting Review*, 83(2): 447.
- Lawler E., Finegold, D., Benson, G., Conger, J.(2002). Corporate Boards: Keys to Effectiveness, *Organizational Dynamics* 30(4):301-324.
- McCahery, Joseph A., Starks, Laura T. and Sautner, Zacharias, (2010) , Behind the Scenes: The Corporate Governance Preferences of Institutional Investors . Available at SSRN
- Namazi, M. Davanipor, I. Experimental Study of adhesion behavior of costs in the Tehran Stock Exchange. *Review of accounting and auditing*. (2013). No. 62, pp. 85-102(in persian).
- Peasnell, K. , Pope, P. , Young, S, (2000). Accrual Management to Meet Earnings Targets: UK Evidence Pre- and Post-Cadbury, *British Accounting Review*, No. 32, PP. 415-445.
- Prowse, S.D.(1992) "The structure of corporate ownership in Japan" *Journal of finance*, 47(3).
- Rae, R, Hassanzadeh, H, "The effect of financial ratios on adhesion costs", *Journal of Financial Accounting*, (2015), Number Twenty-Two, pp. 22-44(in persian)
- Ramakrishnan, R., Thomas, J.(1998). Valuation of permanent, transitory, and price- irrelevant components of reported earnings *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 13:301-336.
- evidence. Working paper, Temple University. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1659493>
- Brickley, J., Lease, R. C., & Smith, C. W. (1988). "Ownership structure and voting on anti-takeover amendments", *Journal of Financial Economics*, 20: 267-291.
- Calleja, K., Stelarios, M., & Thomas, D. (2006). A Note on Cost Stickiness: Some International Comparisons. *Management Accounting Research*, 17(2), 127- 140.
- Chen, C. H., Lu, H., & Sougiannis, T. (2008). Managerial empire building, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs. AAA 2008 Financial Accounting and Reporting Section (FARS) Paper; (CAAA) 2008 Annual Conference Paper. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1014088>
- Chen, C. X., Lu, H., & Sougiannis, T. (2012). The agency problem, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs, *Contemporary Accounting Research*, 29(1), 252-282. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1911-3846.2011.01094.x>
- Chung, Kee H. and Zhang, Hao, (2009) , Corporate Governance and Institutional Ownership, *Journal of Financial and Quantitative Analysis (JFQA)*, Forthcoming. Available at SSRN.
- Dedman, E.(2000). An investigation into the determinants of UK board structure before and after Cadbury. *Corporate Governance*, 8:133-153.
- Delgado hurtado, maria del mar, (2001) , economic determinants of accounting discretion: emirical evidence from spain. Prquest.com pages 1 -461.
- Fama, E. F. and M.c. Jensen.(1983). The Separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26:301-325.
- Fama, E.F.(1980) "Agency Problems and the theory of firm", *Journal of political Economy*, 88.
- Finkelstein, S. and D'Aveni, R .(1994). CEO Duality as a Doubledgedged Sword: How Boards of Directors Balance Entrenchment Avoidance and Unity of Command., *Academy of Management Journal*, 37(5):1079-1108.
- Foroughi, D, Saeedi, A, Azhdar, M., (2011), "The impact of institutional shareholders on dividend policy in listed companies in Tehran Stock Exchange", *Accounting Research*, Issue Two, Summer, 129-114(in persian).
- Ghaemi, Hossein and Nematollahi, M. (2007). Behavior and structure of operating costs and financial costs on companies listed in the Tehran Stock Exchange. *Knowledge Audit*, No. 22, pp. 16 to 29(in persian).

یادداشت‌ها

- ¹ Anderson et al
- ² Calleja et al
- ³ Banker et al
- ⁴ Chen et al
- ⁵ LaFond & Watts
- ⁶ Jelinek
- ⁷ Ownership Concentration
- ⁸ Thomsen & Pedersen
- ⁹ Peasnell et al
- ¹⁰ Institutional Ownership
- ¹¹ Porter
- ¹² Brickley, Lease & Smith
- ¹³ Agrawal and Knoeber
- ¹⁴ Seifert et al
- ¹⁵ Yu, Frank
- ¹⁶ Yoon & Miller
- ¹⁷ Delgado hurtado
- ¹⁸ Mc Cahery et al
- ¹⁹ Chung & Zhang
- ²⁰ Chief Executive Officer Dominance
- ²¹ Dedman
- ²² Yermack
- ²³ Rechner & Dalton
- ²⁴ Finkelstein & Aveni
- ²⁵ Ramakrishnan & Thomas
- ²⁶ Gul & Tsui
- ²⁷ Board Size
- ²⁸ Xie et al
- ²⁹ Adams & Mehran
- ³⁰ پیش نویس آیین نامه اصول راهبردی شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار (۱۳۸۵)
- ³¹ Fama & Jensen
- ³² Lawler et al
- ³³ Board Independenc
- ³⁴ Tsui et al
- ³⁵ Jaggi & Gul
- ³⁶ Hermalin & Weisbach
- ³⁷ Shuang Xue & Yun Hong
- ³⁸ He et al

- Rechner, P and Dalton, D.(1991). CEO duality and organizational performance: a longitudinal analysis.12(2):155-161.
- Safarzadeh, MH (2015), described the role of corporate governance in cohesion spending, the Financial Accounting Quarterly, Volume 6, Number 23, Pages 1-21(in Persian).
- Seifert, Bruce & Halit, Gonenc & Jim, Wright, (2005) , "The International Evidence on Performance and Equity Ownership By Insiders Block holders and Institutions", Journal of Multi. Fin. Manage, Vol 15.
- Technical Committee on Corporate Audit, 2003, auditing standards, the auditing, publication 160(in persian).
- Thomsen, S and Pedersen, T.(2000).Ownership Structure and economic performance in the Largest European companies. Strategic Management Journal,21: 689-705.
- Tsui, J., Jaggi, B., Gul, F.(2001).CEO Domination, Growth Opportunities and their.Impact on Audit Fees, Journal of Accounting, Auditing and Finance,16(3).
- Xie, B., Davidson, W and DaDalt, P .(2003). Earnings management and corporate governance:The roles of the board and the audit committee., Journal of Corporate Fiance, 9(3):295-317.
- Xue, Sh. & Hong, Y. (2015). Earning management, corporate governance and expense stickiness. China Journal of Accounting Research, article in press.
- Yermack, D.(1996). Higher market valuation of companies with a small board of directors", Journal of Financial Economics.40(2):185-211.
- Yoon, S.S. and Miller, G.A. (2002). Cash From Operations and Earnings Management In Korea, the International Journal of Accounting, 37 (4), 395-412.
- Yu, Frank, (2006) ," Corporate Governance and Earnings Management", Available at www. Google.Com
- Zanjirdar, M, Ghafari Ashtiani, P, Madahi, Z. "Investigate and analyze the factors influencing the behavior of costs stickiness", Journal of Management Accounting Research, (2015), Twentieth Issue, p. 79-91(in persian).